

آنچه را شاه امان الله به مردم داد، نادرشاه از مردم گرفت!

بالاخره سوالات شاگردانه باری جهانی و پاسخ های استادانه داکتر سیدعبدالله کاظم را در بخش نظریات پورتال افغان جرمن آنلاین خوندم و با خودگفتم چی میشوداگرمن هم نظریات و برداشتهای خود را در باره تفاوت شاه امان الله با نادرشاه را ابراز کنم؟

باری جهانی نوشته میکند: «بالاخره سوال اساسی درینجاست که امان الله خان به افغانستان چه داده بود که نادرشاه از آن محروم ساخت؟ امان الله خان، بحیث یکی از اعضای فعال حزب جوانان افغان، که بایست دارای افکار مترقی میبود، در ظرف ده سال سلطنت خود حد اقل یک صدراعظم را تعیین کرده نتوانست؛ چون فکر میکرد که شاید مقام صدارت قدرت مطلقه او را کنترل نماید. در ظرف ده سال سلطنت خود افغانستان را صاحب یک پارلمان ساخت. کارهای است که نادرشاه در ظرف چهار سال سلطنت خود؛ افغانستان را صاحب مقام صدارت و پارلمان انتخابی نمود. تعلیم و تربیه نسوان بعد از مدتی کمی به حالت عادی برگشت. افغانستان را در ظرف چهار سال صاحب شرکت ها و سستم بانکی نمود که امان الله خان در ظرف ده سال به وجود آورده نتوانسته بود.» (جهانی، مقاله «قضائیه های ما از حوادث و مسایل تاریخی» آرشیف مقالات نویسندگان، افغان جرمن آنلاین)

پاسخ جهانی را اول از زبان داکتر سیدعبدالله کاظم میخوانیم و بعد من درباره آنچه شاه امان الله به مردم افغانستان داده بود و نادرشاه از مردم گرفت، نظر خود و سایر اهل قلم را بیان خواهم کرد.

داکتر کاظم در پاسخ جهانی نوشته میکند: «باید گفت عجب پارلمان و شورایی که برای پنج دوره یک نفر مشخص در راس آن قرار داشت؟ و عجب شاه و صدراعظمی که از قدرت مطلقه در مطلقه شان هیچ حدی و حصری دیده نمی شد و صدراعظمی که در طول ۱۷ سال مثل یزید حکومت راند و اساس ان بدست محمدنادرشاه گذاشته شد، عجب صدراعظمی که شاه جوان را به نظر یک طفل یتیم می دید و عجب معارف و تعلیم و تربیه که تعداد مجموعی محصلان چهار فاکولته (طب، حقوق، ادبیات و ساینس) در سال ۱۳۲۶ از ۶۰۰ محصل تجاوز نمیکرد و دختران برای چندین سال از درس و تعلیم محروم بودند و زنان را تا سی سال دیگر به حبس زیر چادری محکوم کرد و عجب انکشاف اقتصادی که صدراعظم صاحب والا حکومت را به تجارتخانه شخصی خود مبدل ساخت و تا ده سال صدارتش کشور فاقد بانک مرکزی بود و بانک ملی با اشتراک یک عده محدود سرمایه داران زیر امر آن والا به تجارت مشغول بودند. سخن بسیار است آقای جهانی و شکر خدا که هنوز مردم خاطرات آن دوران سیاه صدارت حضرت والا و آن ظلم و ستم او را فراموش نکرده اند. آفتاب را نمیتوان با دو انگشت پنهان کرد. اینکه شما از آن ظفره میروید، شاید به گفته شما از "حُب علی" ریشه گیرد.» (داکتر کاظم، نظریات افغان جرمن آنلاین، تاریخ: ۲۰۲۲، ۰۴، ۲۵)

شاه امان الله ب مردم چی بود که نداد؟

یا استاد نگارگر بخیر باد که میگفت: تعصب ایدیولوژیک چشم بصیرت انسان را کور میکند، وانسان ایدیولوژیک نمیتواند کارکردهای خوب دیگران از خود بهتر را ببیند و به برتری های دیگران اعتراف

نماید. باری جهانی که روزگاری عضو حزب دموکراتیک خلق بود و تخلص خود را "جهانی" گذاشت تا وانمود کند که اوصاحب جهان بینی مترقی است، اما چون در روزگار اقتدار حزب دموکراتیک خلق به جاه و مقامی نرسید، چنان سرخورده و پیشیمان گردید که نه تنها دامن حزب را رها کرد، بلکه دامن وطن را نیز رها و به آنسوی اوقیانوسها پرواز نمود تا بدینوسیله از آن حزب و ایدیالوژی اش ابراز انزجار کرده باشد. هرچند که در روزهای سخت بگیروبیند و بکش انجنیر ظریف والی قندهار، از همپالکی های آن والی قهار بود، و هیچ کاری را بدون تائید جهانی انجام نمیداد، مگر پس از برگشتن صفحه سیاسی به نفع جناح پرچم، اوپا بفرار نهاد و خود را در آغوش امپریالیزم خونخوار انداخت، و از آن پس عقده خود بزرگ نمائی چنان چشمان او را کور ساخت که بخاطر خوشنودی دشمنان وطن حاضر است گوهر استقلال کشور و محصل آن را دریای بیگانه خوار و بیمقدار کند.

این روان پریشی زمانی براو غلبه حاصل نمود که در وزارت اطلاعات و فرهنگ حکومت اشرف غنی، بر اثر ناتوانی در جلوگیری از تهاجم فرهنگی ایران و رواج حیرت آور زبان و اصطلاحات ایرانی بجای اصطلاحات مروج دری و سروصدهایی که درباره کارکردهایش در رسانه ها به نشر رسید، برای آنکه توجه اهل خبره افغان را بجانب دیگری منحرف کرده باشد، اکنون بجای خیالبافی های شاعرانه زمان قبل از وزارتش، به تخریب تاریخ افغانستان روی آورده و با وارد کردن اتهامات کودکانه بر بهترین و شایسته ترین رهبران تاریخ ساز کشور، چون شاه امان الله محصل استقلال کشور، و داودخان، خدمتگذار بی بدیل کشور و میرزمان خان کنری، رهبر جبهه چهارم جنگ استقلال، دل انگلیس و پاکستان و سقویان را خوشنود سازد.

شاه امان الله، زعیمی بود که استقلال افغانستان را از انگلیس گرفت و حیثیت از دست رفته افغانستان را دوباره احیاء نمود و آنرا در صف ملل آزاد جهان ایستاده کرد.

شاه امان الله، نخستین شاهی در افغانستان بود که عدالت را از خانواده سلطنتی آغاز کرد و معاش و امتیازات نسبی و نان راتبه و پخته از مطبخ ارگ را به آنان منع کرد. شاه امان الله، نخستین شاهی بود که امتیازات پیرها و روحانیون و خوانین و ملکان متنفذ را از بیت المال قطع نمود و کارکردن را شرط گرفتن این امتیازات دانست.

شاه امان الله، نخستین زعیمی بود که در طول دوره زعامتش، هیچ فردی از آزادی طلبان و منتقدین حکومت را به زندان نسپرد و جان کسی از آزادی خواهان را نگرفت.

شاه امان الله، نخستین شاهی بود که تعلیم و تحصیل را از انحصار خانواده های اشراف کابل خارج کرد و باتاسیس مکاتب در سرتاسر افغانستان علم و معارف را در اختیار تمام مردم افغانستان قرارداد. **شاه امان الله**، نخستین شاهی بود که آزادی زن را با برداشتن چادری (این نماد تحقیر و نابرابری) از روی خانم خود ملکه ثریا اعلام نمود و یک گام مهم دیگر بر گامهای اصلاحی دولت خود به جلو گذاشت.

شاه امان الله، نخستین شاهی در افغانستان است که به زنان حق تحصیل و آموزش رایگان را بخشید و در نخستین قانون اساسی زنان را از لحاظ حقوقی با مردان مساوی اعلام نمود و گام بزرگ تجدد را بجلو گذاشت.

شاه امان الله، کسی بود که برای نخستین بار در افغانستان دست به تدوین و تصویب یک قانون اساسی با عالی ترین معیارهای حقوقی و انسانی زد.

در این قانون اساسی: اصول برابری و آزادی شخصی و لغو اسارت و بردگی، آزادی مطبوعات و

شغل و پیشه و تدریس و حق ملکیت شخصی و مسئولیت مسکن و منع مصادره دارائی و لغو بیگار و شکنجه و مجازات غیرقانونی و غیره نکات برجسته و اساسی بازتاب یافته بود. (مواد: ۹ و ۱۰، ۲۲، ۲۴)

در ماده شانزدهم این قانون درج شده بود که: « تمام اتباع افغانستان برطبق شریعت و قوانین دولت از حقوق و وجایب مساوی برخوردارند.»

ماده ۱۱ قانون حکم میکرد: « در افغانستان اصول اسارت و بردگی بالکل موقوف است.» بقول غبار، اهمیت این قانون در آن بود که در عمل تطبیق میشد و از لوٹ کذب و ریا و فریبکاری میرا بود. چنانکه بنابر حکم ماده ۱۱، این قانون، در حدود ۷۰۰ تن غلام و کنیز هزاره در شهر کابل از منازل اربابان خود برآمدند. مراسم مذهبی و تکیه گاه های پیروان مذهب امامیه عملاً آزاد شد. در مجالس مشوره ولایات قندهار و غزنی و جلال آباد و انجمن معارف کابل، یک یک نفر نمایندگان انتخابی هندوهای افغانستان شامل و در امور اداره سهیم گردیدند و قید رنگ زرد از دستار و معجز هندوها با باقیات پول جزیه مرفوع گردید. و اولاد هندو در مدارس ملکی و نظامی (لیسه های حبیبیه و حربیه) و افسری اردو قبول شد و دیگر تبعیض و تفریق از نظر نژاد و زبان و مذهب و قبیله وجود نداشت، معاش مستمری و نسبی عشیره محمد زائی و خوانین و امتیازات روحانیون لغو گردید و ملت در حقوق با هم مساوی شد. (غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ص ۷۹۳)

غبار که خود شاهد عینی ریفورمهای امانی بود و آن دوره را نقادانه بررسی و ارزیابی کرده زیر عنوان ریفورم امور مالی و اقتصادی مینویسد که: شاه امان الله در مرحله نخستین اصلاحات خود موفقانه پیش رفت. زیرا در برابر اکثریت ملت (دهقان، و مالدار و پیشه ور) تحمیلات ثقیل گذشته راسبک ساخت. مالیات جنسی، حواله غله خریداری، آذوقه رسانی اجباری در رباطهای کثیر کشور، اجاره داری جمع آوری مالیات دولتی، واسطه بودن ارباب و ملک در بین گیرنده و مالیه دهنده، تشکیل قریه داری، اخذ مالیات مواشی شمار نشده، کار اجباری و بیگار، تکسهای متعدد بازار از پیشه وران و امثال آن، همه را لغو نمود. مالیات اراضی نقدی تعیین شد، و تمام افراد مالیه دهنده مستقیماً و بدون ملاحظه خان و ملک با دفاتر مالی دولت مربوط گردید. دولت تمام مایحتاج خود را به پول نقد و خوش برضامی خرید. حیوانات و مواشی مالداران هر ساله شمار شده و از روی موجودیت آن مالیه گرفته می شدو برای این کار قانونی بنام «محصول مواشی» وضع گردید.

برای تنظیم ادارات مالیه، در کابل مکتب «اصول دفترداری» دایر گردید و فارغان آن به ماموریت های مالیه کشور گماشته میشدند. و این سیستم امور حسابی کهنه دولت را به سیستم عصری و «شهری» در آورد. برای مامورین زراعت و تحصیل مالیات در ۱۹۲۳ قانون های وضع و منتشر شد. برای تهیه حکام مطلع، مکتب حکام در مرکز تاسیس و فارغان آن به حکومت محلی منصوب میشدند. و قانون «وظایف حکام و مامورین» اداره را تنظیم نمود (۱۹۲۲). در حالی که یک سال پیش «قانون تشویق صنایع» پاس شده بود و از راه ریفورم مالیات، رشد صنایع را تشویق میکرد. همچنین برای تقویه تولید «قانون تقاوی» وضع گردید. قانون «فروش املاک دولتی» در ۱۹۲۳، گرچه به نفع دهقان تمام نشد مگر باعث تحکیم ملکیت خصوصی گردید، در حالی که املاک موقوفه قبلاً از بین رفته بود. تجارت نیز ساحه وسیع تری یافت، گمرکات متعدد داخلی لغو شد و در نتیجه این ریفورمها انکشاف سرمایه داری تسریع گردیده محاکم شرعی معاملات تجارتي به وجود آمدو شرکتهای تجارتي: تنویرات، موتر، ادویه، رفقای افغان، اتحاد افغان، قمر، ضیاء و جرمنی،

د پانو شمیره: له ۳ تر ۹

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

تجارت خانه شوروی در کابل تاسیس گردید. با دولت انگلیس قرارداد تجارتی امضاء شد. نمایندگان تجارتی افغانستان (قونسله و وکلای تجار) هم در همسایگی های افغانستان به تسهیل امور تجارتی موظف گردیدند. دولت موسسات تجارتی ملی بنام: شرکت امانیه و شرکت ثمر ساخت. چون در افغانستان سرمایه اروپا نفوذ نکرده بود و برعکس تجارت اروپا نافذ شده میرفت، این نفوذ ثانوی مانع انکشاف بیشتر صنایع داخلی می گردید. زیرا مملکت فاقد فابریکه های عمده و خط آهن و کتله های کارگری بود، لهذا دولت امانی در صدد توريد فابریکه ها و تمديد خط آهن در افغانستان برآمد. در لویه جرگه ۱۳۰۷ (۱۹۲۸) شاه توضیح نمود که دولت برای تهیه یک فابریکه ترمیم طیارات داخل اقدام است و بعلاوه فابریکه موجوده یک فابریکه دیگری برای ساختن باروت سفید دایر میکند. (اولین باروت ساز در افغانستان رضابیک ترکی در طی جنگ جهانی اول بود که در ۱۹۲۱ در کابل فوت کرد و شاه در تشییع جنازه اش شرکت نمود) دولت با دو شرکت جرمنی و فرانسوی قراردادی بست که طبق آن در ده سال خط آهن از جنوب افغانستان به شمال آن تمديد میگردد، و چهار نفر فرانسوی برای سروی این کار بکابل آمدند و بقندهار نیز سفر کردند. (غبار، ص ۷۹۱)

امان الله خان در نظر داشت که با احداث خط آهن در افغانستان چمن را باکوشک در روسیه وصل کند و مسافرین و اموال را در ۱۴ روز از اروپا به کابل نقل دهد. در عین زمان خط آهن بین کابل و قندهار را نیز میخواست شروع کند، اما انگلیس ها به اعمار این خط موافقه نکردند. (آتش در افغانستان، ترجمه کهسار کابلی، ص ۷۱)

غبار در ادامه میگوید: «تمديد لین تلگراف و تلفون بین مرکز و ولایات کشور زیر دست گرفته شد. سنتیشن های برق در پغمان و جلال آباد و قندهار بکار گرفته شد، و به فابریکه های چرمگری و باروت سازی و سمنت و گوگرد و برق وسعت داده شد. کارخانه های ترمیم موتر و پرزه سازی، صابون و عطریات، نختابی و پارچه بافی، نجاری و یخ سازی، پنبه و روغن کشتی در قندهار و مزار شریف و هرات تاسیس، و احضار فابریکه های ذیل در نظر گرفته شده بود: قندسازی، نساجی نخی و جیم، دکمه سازی، حفظ میوه، مسکه و پنیر سازی، آبکشی و تیل خاک کشتی، پوسته هوائی بین کابل و مزار و شوروی و ایران و ترکیه مدنظر گرفته شد. بند آب غازی و بند سراج غزنی تکمیل گردید. و بستن بند آب چمکنی و تکمیل نهر رزاق روی دست گرفته شد. دولت در معاملات تجارتی حق کامله الوداد از دولت جرمنی و حق ترانزیت آزاد از حکومت پولند حاصل کرد. و برای عقد قرار دادهای تجارتی با مسکو و برلین داخل مذاکره شد. برای انعقاد قراردادهای دیگر - راجع به معادن لاجورد بدخشان، نفت هرات و تاسیس یک فابریکه ذوب آهن و انکشاف معادن آهن، زغال سنگ، گوگرد، سرب، سنگ ریشه، ابرک تباشیر، مرمر، گل سفید و رنگهای مختلف پروگرامی روی دست گرفت و برای تنظیم و اداره جنگلات پکتیا و اسمار و غیره، تزئید نسل اسپ، تعمیم نسل قره قل و ترقی پبله وری پلانی طرح کرد. در کابل نمایشگاه صنایع ملی دایر گردید و لباس از پارچه وطنی برای مامورین دولت اجباری گردید. (غبار، ج ۱، ص ۷۹۱)

غبار می افزاید که: در این وقت ارزش پول افغانی صد روپیه کابلی برابر بود با ۶۰ کلدان هندی) اما نرخ مواد خوراکه از این قرار بود: آرد: دو نیم چارک کابل یک روپیه (در تاشقرغان هشت چارک کابل به یک روپیه بود)، گوشت: سه پاو کابل به یک روپیه (در تاشقرغان یک و نیم چارک کابل به یک روپیه).

روغن : یک پاو به یک روپیه (در تاشقرغان یک ونیم پاو به یک روپیه) برنج باریک : در کابل یک چارک و سه پاو به یک روپیه (در تاشقرغان تقریباً دوچارک به یک روپیه) دنبه : در کابل دونیم پاو به یک روپیه ، تربوز یک یک سیر به یک قران. (غبار ، ص ۷۹۲)

لیون بی پولادا نویسنده امریکائی، درباره امان الله خان نوشته میکند: «بیرون آمدن پیروزمندانه امان الله خان از جنگ سوم افغان و انگلیس که منجر به استقلال افغانستان شد او را به چهره مجاهد نه تنها بین طبقه روحانیون افغانستان؛ بل به عنوان الگو میان ناسیونالیست‌هایی که در بقیه کشورهای اسلامی علیه انگلیس می‌جنگیدند مبدل ساخت. میان مسلمانان خارج از افغانستان حتی این امیدواری را به وجود آورد که امان الله خان می‌تواند جانشین خلافت عثمانی از دست رفته شود. او به عنوان کسی که استقلال خود را از یک قدرت بزرگ استعماری بدست آورده بود مورد پذیرایی گرم تقریباً تمام سران مهم دول اروپایی قرار گرفت. بعد از سفر اروپا و ملاقات با کمال اتاترک و رضا شاه، شاه ایران، امان الله خان متقاعد شد که می‌توان افغانستان را که از کاروان تجدد کاملاً عقب مانده بود با سرعت بیشتر در مسیر توسعه قرار داد.

برخلاف آن‌هایی که گمان می‌کنند امیر آدم ترسو بود، باید گفت که امان الله خان آدم شجاع و نترسی بود. او حتی در جرگه و نشست آن‌هایی که علیه او شورش کرده و با سیاست‌های او مخالف بودند بی‌باکانه حاضر می‌شد و به ایراد سخنرانی می‌پرداخت، در حالی که بیم آن می‌رفت که آنها امیر را هدف قرار بدهند.

فلسفه سیاست او، تا حد ممکن عدم به کارگیری خشونت در مقابل شهروندان کشور خودش بود، سیاستی که به هیچ وجه با سیاست جدش، امیر عبدالرحمن خان همخوانی نداشت.

«امان الله خان را می‌توان بدون شک آغازگر فصل نو تجددخواهی در تاریخ افغانستان دانست. گام‌های را که او برداشت، در صورتی که عملی می‌شد، ساختارهای سیاسی و اجتماعی افغانستان را دگرگون ساخته، افغانستان را امروز در زمره ملت‌های با افتخار و متمدن منطقه قرار می‌داد.» (لیون بی پولادا، فصل ناتمام، ترجمه: مجیب الرحمن اتل، راه مدنیت، اسد ۱۳۹۸)

اما استعمار که تحمل یک افغانستان مترقی و آزاد را درکنار هند مستعمره نداشت، بوسیله روحانیون وابسته بخود در سال‌های ۱۹۲۸ شورش‌های را سازماندهی کرد ورژیم امانی را در آغاز سال ۱۹۲۹ با سقوط مواجه کرد. یک شاگرد تاریخ باید چقدر غبی و نفهم باشد که نداند شاه امان الله چه چیزهای نبود که به ملت افغانستان تقدیم نکرد؟

واما نادرشاه چه چیزهای را از مردم گرفت؟

نادرخان پس از آنکه بنام شاه امان الله، قدرت را از بچه سقوگرفت و خود را پادشاه اعلام نمود، آزادی ابراز نظر را از مردم گرفت. ومثل دوره سقوی هرکسی که به شاه امان الله ابراز علاقه مینمود بنام "امانیست" دستگیر و سربه نیست مینمود. غبار از انتقام کشتی نادرشاه از شاه امان الله و هواداران او چنین مینگارد : «نادرشاه برای سرکوب قشر وطن پرست ومبارز در داخل افغانستان ، کلمه «امانیست» را «بحیث خاین دین ودولت وملت» مصطلح ومستعمل ساخت. وهرکرا خواست به این نام در زندان وپایه دار تحویل داد. نادرشاه در خصومت با شاه امان الله خان، تعصب وتنگنظری را تاجایی رساند که اسمای لیبسه های امانی وامانیه ومعموره دارالامان را به نامهای نجات واستقلال

د پانو شمیره: له ۵ تر ۹

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

ودارالفنون تبدیل نمود. وحتی ریکاردهای ترانه امان الله خان (الهنا یا ربنا انصرلنا امیرنا امیر الافغان امیر امان الله خان) را با عکس های او از تمام کشور جمع و نابود گردانید. نادرشاه که کلمه عین المال امان الله خان را بمثابة خیانت ملی شمرده بود، از همین عین المال، تمام زمینهای زراعتی ملکه ثریا واقع تنگی سیدان کابل را به برادر خود شاه محمودخان وزیرحربیه داد، چنانکه باغها و عمارات و اراضی دولتی و اشخاص را در کابل و پغمان و جلال آباد به افراد خاندان خود داده بود و این ها هریک صدها میلیون دالر و افغانی در خارج کشور "عین المال شخصی" دارند؛ حتی باغ ارگ سلطنتی را نیز این خانواده "دشمن عین المال" بین خود تقسیم و ترکه کردند... باغ شهرآرای کابل هم به محمدهاشم خان بخشیده شد. از این سبب بود که مردم میگفتند، این خاندان حکمران حق ندارند که شاه امان الله را بواسطه داشتن عین المال شخصی تکفیرکند. (غبار ج. ۲، صفحه ۱۰۳)

بقول داکتر کاظم: «محمد نادرشاه و برادرش محمدهاشم خان صدراعظم شروع به بازداشت وزندانی ساختن صدها هوادار شاه امان الله کردند و نیز تعدادی از آنها را به بهانه های مختلف به قتل رسانیدند و با ادامه اینکار برای چندین سال توانستند تا از فعالیت "امانیست ها" جلوگیری نمایند و چنان ترس و رعب را در دل مردم جادادند که هیچکس جرأت نداشت نامی از امان الله خان را به زبان براند. هر جا و محلی به نام و یا نشانه ای از یادگار او بجا مانده بود، همه را از بین بردند؛ قصر دارالامان و مکاتب امانی و امانیه را تغییر نام دادند؛ نه تنها نام او را از صفحات کتاب ها زدودند، بلکه کتب و آثار مهم تاریخی را جمع آوری و از بین بردند؛ در هجو و بدنامی شاه سابق از هیچ سخنی دریغ نکردند؛ برای تحریف حقایق به نفع خود به نشر کتب و نوشته های دستوری پرداختند، چنانچه یکی از آنها کتاب تاریخ "نادر افغان" ظاهراً به قلم برهان الدین کشکی بود اما در واقع زیر نظر شخص محمدنادرشاه نوشته شد و در ماه میزان ۱۳۱۰ به چاپ رسید و نیز کتاب "بحران و نجات" محی الدین انیس را بزعم خود دستکاری نمودند. (داکتر کاظم، شرح مختصر پیرامون مقاله «کشف الحال نادر بقلم اعلیحضرت امان الله» قسمت اول) افغان جرمن آنلین، ۱۱ اکتوبر ۲۰۲۱)

غبار میگوید: «نادرشاه مکاتب دخترانه را بست، انجمن نسوان را تعطیل، جریده ارشاد النسوان را متوقف و شاگردان صنوف بالای مکاتب حبیبیه و غیره را متفرق ساخت. کل مکاتب ابتداییه در سراسر افغانستان به شمول کابل در دوره وی از ۲۷ عدد تجاوز نمی کرد. تعداد کل شاگردان به ۴۵۹۱ تن میرسید، درحالی که فیض محمدزکریا وزیر معارف نادرشاه اعتراف نمود که در سال اخیر سلطنت امانیه تعداد شاگردان ذکور و اناث مدارس رسمی به ۸۳ هزار تن میرسید. نادرشاه صرف در سال ۱۹۳۲ امر افتتاح هفت باید مکتب ابتداییه را در ولایات صادر کرد، جریده اصلاح آنرا مثل انفجار یک بمب مورد مداحی قرار داد. مکاتب ثانویه جز موارد معدود وجود نداشت.» (غبار، جلد ۲ ص ۸۳-۸۴)

داکتر زمانی در یکی از مقالات خود مینویسد: «محمدنادرشاه از همان روزهای اول دیوانه وار از یکطرف به سرکوب خونین جوانان مترقی و آزادگان ضداستعمار مشغول گردید، و از طرف دیگر ستیز و مبارزه علیه نام و نشان غازی امان الله خان و دوستداران وی را در صدر دستور کار خویش قرار داد. نادرشاه در همان اوایل احراز قدرت در خزان ۱۹۲۹، جنرال پینن بیگ خان، میرزا محمد اکبر خان، امرالدین خان، عبداللطیف خان کوهاتی، محمدنعیم خان کوهاتی، عیسی خان قلعه سفیدی، تازه گل خان لوگری، سلطان محمدخان مرادخانی، محمدحکیم خان چهاردهی وال، احمدشاه خان کندک مشر، دوست

محمدخان غندمشر پغماني وسيدمحمدخان کندک مشرقندهاری را بدون تحقیق واثبات جرم وگناهی گلوله باران نمود.»(زمانی، ارشیف مقالات،مقاله انتقام گیری نادرخان)
غلام نبی خان چرخي ودو برادرش مهدی خان چنداولی،محمدولی خان دروازی، عبدالرحمن خان لودین وده ها تن دیگر از عناصر ضد استعمار وهمفکران شاه امان الله بودند که بدست نادرشاه یکی پی دیگری اعدام گردیدند.وجاییداشان مصادره گردید وزن وفرزندان وحتى اقارب شان بزندان افتادند. بقول داکتر عبدالرحمن زمانی وسردار کبیرالله سراج برادرزاده شاه امان الله، نادرشاه باری ترتیبات ترور شاه امان الله را درایتالیا گرفت واین وظیفه را به یاور خود سیدشریف خان [کسی که غلام نبی خان چرخي را با سرنیزه های عسکرخود در پیش زینه های قصر دلکشا کشته بود]،سپرد تا به ایتالیا رفته شاه امان الله را ترور کند. سید شریف یاور به ایتالیا رفت وتقاضای اجازه ملاقات با شاه امان الله را کرد، اما قبل از دیدار باشاه امان الله تفنگچه ای از نزدش کشف شد که بعد به پولیس ایتالیا اعتراف کرد که نادرشاه او را برای ترور شاه امان الله به این کشور فرستاده است واگر موفق به دیدار او میشد، مجبوربود مطابق دستور نادرخان عمل کند.

پس از مرگ نادرشاه، صدراعظم هاشم خان نیز در صدد از میان بردن شاه امان الله درخارج کشوربرآمد. او ابتدا الله نوازخان خان را به حیث سفیر درآلمان فرستاد و میخواست شاه امان الله را ترورکند، ولی پولیس ایتالیا همراهان الله نواز را تلاشی و از نزد شان سلاح بدست آمد و بعد از تحقیق معلوم گردید که برای ترورشاه امان الله توظیف شده بودند. به تعقیب الله نوازخان، هاشم خان احمدعلی خان لودین را بحیث سکرتر سفارت روم فرستاد ولی او هم موفق نگردید شاه را ترور نماید. بارسوم هاشم خان محافظ شخصی خودعبدالحکیم را به روم فرستاد، ولی او نیز درترورشاه ناکام شد. درسفرادای فریضه حج شاه امان الله درسال ۱۹۳۴ نیز ترور شاه از سوی اجنت های اعزام شده سردار هاشم خان صدراعظم به مکه وهم ازسوی اجنتان انگلیس منظورگردیده بود ولی موفق به تطبیق آن نشدند. تا بالاخره شاه را در ۱۹۴۸ در ایتالیا توسط زهرمسموم ساختند که نزدیک بود بمیرد. (زمانی،عبدالرحمن، بازنگری دوره امانی وتوطنه های انگلیس،چاپ ۲۰۱۳، صص ۴۸۶-۴۹۲)

جهانی منکرمداخله انگلیس در سقوط رژیم امانی است:

جهانی در مقاله فوق الذکرش میگویدکه در شورش های ضد رژیم امانی هیچ سندی از مداخله انگلیس وجود ندارد، اما داکترزمانی نه تنها کتاب محققانه ئی از توطئه های انگلیس علیه رژیم امانی نوشته است، بلکه در باره روابط مخفی انگلیسها با نادرخان وبرادرانش برای سرنگونی شاه امان الله وغصب قدرت توسط نادرخان بیش از چهل مقاله مستند از روی ارشیف استخبارات انگلیسی نوشته است. از جمله ۲۰ عنوان را مقالات شان را از ارشیف مقالات شان در زیراینجا نقل میکنم:
۱۵۲) "نکات چند پیرامون اعلامیه "کشف الحال نادر به قلم اعلیحضرت امان الله خان و رساله تردید شایعات باطله شاه مخلوع"

۱۵۳) پیشکش یک قسمت بزرگ خاک افغانستان توسط سردار محمد نادر خان به انگلیس ها- به رویت اسناد آرشیف محرمانه استخبارات انگلیس،رجوع شود ،

۱۵۴) سوابق، روابط و تعهد سپه سالار محمد نادر خان به همکاری با انگلیس ها،

۱۵۵) تعجب سفیر انگلیس ، افشای راز مهم و بهائی که سردار محمد نادر خان در رابطه همکاری انگلیس ها پرداخت (به اساس اسناد آرشیف محرمانه استخبارات انگلیس)،

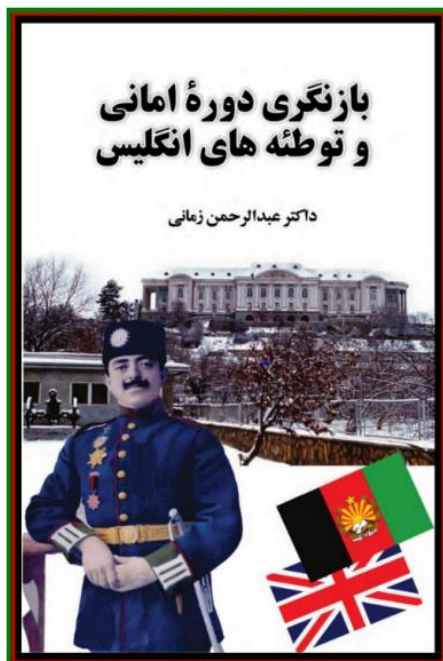
د پانو شمیره: له ۷ تر ۹

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

۱۵۶) سردار نادر خان قبل از برگشت به وطن با مقامات انگلیسی مخفیانه ارتباط داشت (به اساس اسناد آرشیف محرمانه انگلستان) ،

۱۵۷) مخفی نگهداشتن ارتباطات و مسافرت سردار نادرخان و نقش ایم ای حکیم بحیث رابط بین سردار نادر خان و انگلیس ها،



۱۵۸) علت تأسف انگلیس ها از استقبال بدون تشریفات از جنرال نادرخان در بندر بمبئی،

۱۵۹) چند سندی در باره ایم ای حکیم بحیث رابط بین سردار نادر خان و انگلیس ها،

۱۶۰) ادعای بیطرفی ظاهری و حمایت مخفیانه انگلیس ها از سردار نادر خان،

۱۶۱) نهائی شدن پلان نصب شاه آینده در ملاقات سردار نادر خان باسفیر همفریز در پشاور (به اساس اسناد آرشیف انگلستان) ،

۱۶۲- ملاقات مخفیانه دیگر سردار نادر خان و برادرانش با مقامات عالیرتبه انگلیس در وزیرستان (به اساس اسناد آرشیف انگلستان)،

۱۶۳) سپردن نامه غازی امان الله خان به کمشنر انگلیس و اطمینان از پابندی به پلان طرح شده (به اساس اسناد آرشیف انگلستان)،

۱۶۴) نادرشاه به کمک های نظامی، مالی و استخباراتی انگلیس ها به سلطنت رسید (از لابلای اسناد آرشیف انگلستان)،

۱۶۵) تقبیح توطئه های انگلیس و حمایت از شاه امان الله توسط لیگ پان آسیائی،

۱۶۶) محبوبیت غازی امان الله خان در اوج اغتشاش هم سد راه پلانهای انگلیس و سپه سالار نادرخان بود (از لابلای اسناد آرشیف انگلستان)،

۱۶۷) احتمال مداخله مستقیم انگلیس ها در صورت ناکامی سپه سالار نادر خان در تطبیق پلان،

۱۶۸) سپه سالار نادر خان بهترین کاندید انگلیس ها برای تاج و تخت بود،

۱۶۹) کمپاین و تلاش انگلیس ها به نفع سپه سالار نادرخان (از لابلای اسناد آرشیف انگلستان)،

۱۷۱) نامه و حيله گری جنرال نادر خان از بمبئی به جواب مکتوب غازی امان الله خان (از لابلای اسناد آرشیف انگلستان)،

۱۷۲) چرا نادرشاه روز ۶ جوزا را بنام روز سالگرد استقلال افغانستان جشن می گرفت؟ (از لابلای اسناد آرشیف انگلستان)،

حال با وجود این همه اسناد استخباراتی انگلیس اگر کسی از ارتباطات مخفی نادرخان و برادرانش غرض سقوط رژیم امانی انکار میکند، بجز آنکه ایجننت انگلیس باشد، کسی دیگری بوده نمیتواند.

اقای احسان لمر دریک مقالت محققانه خود مینویسد: «دربار خانواده نادر خان مملو از جواسیس انگلیس مانند الله نواز ملتانی، ظفر حسین، قربان حسین گادی وان (بنام مستعار شاه جی)، مولوی جمال

د پانو شمیره: له ۸ تر ۹

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ

الدين، ذوالفقار (مستشار سفارت لندن، مشاور صدارت، معين وزارت خارجه و سفير جاپان)، مولوی نجف علی، به شمول پير كرم شاه مولوی مسجد پل خشتی (لارنس) و غيره بود.

آقای لمردر پیشانی مقاله «نهضت امانیه و ارتجاع سیاه» با خط جلی جمله زیبایی نوشته است: «نهضت امانیه و "شخصیت شاه امان الله آفتابی است که با دو انگشت نه بلکه با هزار انگشت هم پنهان نمیشود" بگذار دشمنان وطن چه خارجی و چه داخلی، چه سیاه ترین متحجر وطن فروش، چه امتیاز و مستمری باخته های دوره امانی یکی به دنبال دیگر از دیروز تا امروز پرده سیاه اندیشه شان را روی این دوره بکشند و به آن تعرض و توهین نمایند.» (آرشیف مقالات نویسند) پایان

د پانو شمیره: له ۹ تر ۹

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ